

Defense mechanisms of the novel Kalidar characters

Dr. Maryam Zamani (Allah Dad) ¹

Dr. Tahereh Golestani Bakht²

Saman Rahmani Farshbaf³

Abstract

The expression of different aspects of the character and the events surrounding it in long novels has caused this kind of literature to be a good carrier for psychoanalytic critiques. The exploration of the main character's defense styles is based on Freud's psychoanalytic point of view, which styles are most widely used among the characters, and what effect their repeated use has on the process of processing the characters in the story. This article describes and analyzes the styles and their use with integrated methods in the novel Kalidar . This study shows that the use of styles among the characters of the novel is significant and high, and in some characters, such as Khan Mohammad, the use of these styles is repeated, continuous and as a part of his lifestyle. In some others, such as Golmohammad, these mechanisms have been observed and manifested more in the face of stressful events.

Keywords: Kalider Novel, Psychological Critique, Mahmoud Dolatabadi, Defensive Mechanisms

¹. Assistant Professor of Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran. mzamani.poem@gmail.com

². Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran. Tahereh.golestani@yahoo.com

³. (Corresponding Author) Master of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran. S.rahmani67@yahoo.com

Date of receipt: 2021-09-18, Date of acceptance: 2021-12-25

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر

(مقاله پژوهشی)

دکتر مریم زمانی (الله داد)*

دکتر طاهره گلستانی بخت**، سامان رحمانی فرشباف***

چکیده

بیان وجوه مختلف شخصیت و رویدادهای پیرامون آن در رمان‌های بلند، سبب شده که این گونه ادبی محمل خوبی برای نقدهای روانکاوانه باشد، از این رو هدف این نوشتار بررسی رمان درخشان کلیدر، به قلم محمود دولت‌آبادی با رویکردی بین‌رشته‌ای و کندوکاو در سبک‌های دفاعی شخصیت‌های اصلی آن بر اساس دیدگاه روان‌تحلیل‌گری فروید است و اینکه کدام سبک‌ها در میان شخصیت‌ها پر کاربرد است و استفاده مکرر از آنها چه تاثیری در روند پردازش شخصیت‌های داستان دارد. در این مقاله با شیوه‌ای تلفیقی به توصیف و تحلیل سبک‌ها و میزان استفاده از آنها اشاره شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد سبک‌ها در میان شخصیت‌های رمان قابل توجه و زیاد است و در برخی از شخصیت‌ها مانند خان‌محمد استفاده از این سبک‌ها بطور مکرر، مداوم و به گونه‌ای سبک زندگی وی محسوب می‌شود

* استادیار رشته ادبیات، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mzamani.poem@gmail.com

** استادیار رشته روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Tahereh.golestani@yahoo.com

*** (نویسنده مسئول) کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. S.rahmani67@yahoo.com

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۴۶

و در برخی دیگر مانند گل محمد این مکانسیم‌ها بیشتر در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا مشاهده شده و بروز داشته است.

کلیدواژه‌ها: رمان کلیدر، نقد روان‌شناسانه، محمود دولت‌آبادی، سبک‌های دفاعی

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

کلیدر نام رمان وسیع و بزرگی است به قلم محمود دولت‌آبادی که می‌توان آن را یکی از بهترین رمان‌های فارسی معاصر دانست به طوری که «نویسنده آن را حاصل دوره‌ی بلوغ فکری خود می‌داند» (چهل تن، ۱۳۸۰: ۲۶۰). این رمان ده جلدی که حدود سه هزار صفحه را در بر می‌گیرد، بر پایه‌ی رویدادی واقعی در دهه بیست قرن چهاردهم شمسی است که نویسنده با تصاویر و شخصیت‌های بسیاری آن را خلق کرده، در واقع زندگی سراسر حماسی «گل محمدها» در رمان عظیم «کلیدر» پلی میان واقعیت تاریخی و واقعیت داستانی و هنری است.

واقعیت تاریخی «کلیدر» کوشش خانواده «کلمیشی» برای برپایی عدالت اجتماعی و ستاندن داد توده‌های روستایی از بیداد بزرگ زمینداران و واقعیت هنری و ارزش این اثر، محصول پانزده سال کار خلاقانه هنری محمود دولت‌آبادی است و اگر «کلیدر» را به اتفاق و معجزه‌ای در ادبیات داستانی معاصر تعبیر کنیم، به راه اغراق نرفته ایم.» (اسحاقیان، ۱۳۸۲: ۱۵). در واقع «کلیدر بازسازی خاطره‌ای است که نویسنده با بکارگیری فرانگری ناشی از تخیل، آن را به بخش‌هایی از تاریخ و حرکت‌های ضد حکومتی پیوند داده است» (حسن لی و مجرد، ۱۳۸۸: ۹۲). «آن چه این رمان را از افسانه‌های یاغیان و عیاران متمایز می‌کند، ارتباطی است که نویسنده از طریق ستار (پینه‌دوز دوره‌گردی که در حقیقت عضو تشکیلات سیاسی است) بین زندگی گل محمد با جامعه شهری سال‌های اواسط دهه بیست برقرار کرده است تا نگاهی انتقادی بیندازد به فعالیت‌های تشکیلاتی که با هدف ایجاد تحول در زندگی کارگران و روستاییان، در صدد ایجاد همبستگی بین این دو طبقه بود» (قنبری و حسینی پناه، ۱۳۹۱: ۶۴).

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۴۷

از سوی دیگر نویسنده سعی در نشان دادن ظلم و جور نظام اربابی ولایت شمال شرق ایران دارد، اربابانی که با تسلط بر آب، زمین، باغ و ... رعیت در واقع مالک جان مردم نیز شده‌اند. گل محمد که از ظلم این جامعه فاسد به تنگ آمده است، اقدام به نوعی قیام مسلحانه علیه این مالکان می‌کند، البته حضور ستار در این قیام بسیار مؤثر است. در ادامه گل محمد اسیر نیرنگ و سیاست اربابان می‌گردد و در پایان نیز به همراه عزیزترین یارانش در تنگه گاو طاق کشته می‌شود.

کلیدر با توجه به ویژگی‌هایی مانند محدودیت نداشتن در شخصیت‌پردازی، پرداختن به ساختار روحی و روانی شخصیت‌های اصلی، صحنه‌پردازی‌های مناسب، بیان نیت‌های پنهان شخصیت‌ها و همچنین گستردگی شخصیت‌ها، جایگاه مناسبی برای تحلیل شخصیت‌های ذهن مؤلف با توجه به نظریه‌های روانشناسانه است. در این جستار سعی شده با بررسی این اثر بر توانایی نویسنده در به کارگیری نکات ریز پیرامون شخصیت‌ها از دیدگاه روانشناسانه تأکید گردد، البته این توانایی ممکن است آگاهانه و یا ناآگاهانه صورت گرفته باشد. همچنین به کارگیری سبک‌های دفاعی توسط شخصیت‌ها در رویدادهای مختلف بررسی گردیده است. «سبک‌های دفاعی عملیاتی ذهنی هستند که اجزای عواطف ناخوشایند را از قلمرو هشیاری دور نگه می‌دارند.» (بلک من، ۱۳۹۴: ۲۹). با توجه به تعدد شخصیت‌ها در رمان، یازده شخصیت که نماینده سه قشر شهرنشین، روستایی و عشایر هستند، برای بررسی انتخاب گردیده‌اند و بر اساس رویدادهایی که بر این شخصیت‌ها رفته تحلیل‌ها صورت گرفت و به کارگیری ۲۸ سبک دفاعی مختلف در موقعیت‌های گوناگون از آن‌ها استنباط گردید.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲,۱ مفاهیم بنیادین در مکتب روان‌تحلیل‌گری فروید

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۴۸

ساختار شخصیت: فروید در برداشت اولیه خود، شخصیت را به سه سطح تقسیم کرد: هشیار، نیمه هشیار و ناهشیار. سطح هشیار تمام احساسها و تجربیاتی را شامل می‌شود که در لحظه خاص از آنها آگاهیم، وی هشیار را جنبه محدود شخصیت در نظر گرفت زیرا فقط بخش کوچکی از افکار، احساسات و خاطرات ما در هر لحظه در آگاهی هشیار وجود دارد. او ذهن را به کوه یخ تشبیه کرد که هشیار قسمت بالا و در سطح آب است - فقط نوک کوه یخ. از نظر فروید مهمتر از آن ناهشیار است که قسمت بزرگتر و نادیدنی زیر آب است. نظریه روان تحلیل‌گری روی این سطح تمرکز دارد. اعماق وسیع و تاریک آن مخزن غرایز است، همان امیالی که رفتار ما را هدایت می‌کنند. (شولتز و شولتز، ۱۳۸۷: ۵۸). با گذشت زمان، فروید در دیدگاه خود تغییراتی داد و شخصیت را به سه ساختار نهاد، من و فرامن تقسیم کرد. نهاد مرکز و منبع تمام انرژی روانی است، نهاد در پی لذت آنی و به دنبال کاهش درد و رنج است، پایگاه روان‌شناختی دیگر «من» نام دارد. من پیوند شخص با دنیای بیرون و واقعیت را برقرار می‌کند و سعی در کمک به ارضای منطقی، عقلانی و به موقع نیازهای نهاد است. «من» ناگزیر از برقراری تعادل بین دو نظام تندروی نهاد و فرامن است. او باید میل به فدا کردن جهان برای بقای خود و فدا کردن خود و مرگ‌طلبی در نهاد و فرامن را مدیریت کند و در زمان مناسب این تمایلات را در مسیر درست اجرایی و محقق نماید. فروید مجموعه سوم نیروهای ذهن انسان را فرامن می‌نامد. فرامن بر اثر بایدها و نبایدها و نیز اصول اخلاقی و مذهبی در وجود انسان شکل می‌گیرد. فرامن «در نقش داور اخلاقی و به منظور حفظ پی‌جویی دائمی برای کمال اخلاقی، مصمم و حتی بی‌رحم است. فراخود از نظر شدت، نامعقولی و پافشاری نسنجیده و پی‌گیرانه بر فرمانبرداری، تفاوتی با نهاد ندارد.» (شولتز، ۱۳۸۳: ۶۱)

۲,۲ سبک‌های دفاعی: اضطراب به عنوان یک علامت هشدار دهنده به فرد خبر می‌دهد که تعارضی بین پایگاه‌های مختلف شخصیت به وجود آمده و در فرد ایجاد تنش می‌کند و به فرد خبر می‌دهد که ساختار "من" تهدید شده و باید از خودش محافظت یا دفاع کند. چند گزینه مانند گریختن از موقعیت تهدید کننده، جلوگیری از نیاز تکانشی یا اطاعت از احکام

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۴۹

وجدان وجود دارد. اگر هیچ یک از این روش‌های منطقی موثر نباشد، فرد ممکن است به سبک‌های دفاعی متوسل شود که راهبردهای غیرمنطقی طراحی شده برای دفاع از خود است. (شولتز و شولتز، ۱۳۸۷: ۶۴). «اضطراب، حالتی است دردناک که تحمل آن برای مدت طولانی ناممکن است؛ بنابراین، چگونه با چنین حالتی کنار می‌آییم و چرا اغلب اوقات مضطرب نمی‌شویم؟ پاسخ سؤال این است که افراد از سبک‌های دفاعی علیه اضطراب استفاده می‌کنند.» (پروین، ۱۳۷۴: ۱۱۲). سبک‌های دفاعی عملیاتی ذهنی هستند که اجزای عواطف ناخوشایند را از قلمرو هشیاری دور نگه می‌دارند. به طور کلی، هر فعالیت ذهنی (روانی) یا رفتاری که افراد را از دستخوش هیجانات ناخوشایندشان حفظ کند، دفاعی است. (بلک من، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۹).

انسان سالم باید سعی در حفظ تعادل شخصیت نماید؛ «من به عنوان سطح هشیار شخصیت، هسته‌ی اصلی شخصیت به شمار می‌آید و اگر مورد تهدید و شکست واقع شود، موازنه شخصیت به هم می‌خورد. بنابراین تهدید «خود» تهدید ارزش و کفایت هسته‌ی مرکزی شخصیت است و برای حفظ آن و جلوگیری از به هم خوردن موازنه شخصیت باید فعالیت‌هایی از جمله سبک‌های دفاعی، انجام شود. بدیهی است با به کار بردن متعارف و متعادل سبک‌های دفاعی، کشمکش درون کاهش می‌یابد و با برقراری تعادل از اختلال و آسیب به «خود» جلوگیری می‌شود.» (زرَف، ۱۳۸۶: ۷) در واقع «هنگامی که من در عمل سازندگی خویش شکست بخورد به سبک‌های دفاعی متوسل می‌شود و آن‌ها را بر ضد جنبش‌ها و امیال و آرزوهای سرکوفته به کار می‌برد» (احمدوند، ۱۳۶۸: ۱۹). سبک‌های دفاعی با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند «در دو ویژگی بسیار مهم مشترک هستند. نخست آنها انکار یا تحریف واقعیت هستند، یعنی گرچه لازم‌اند، اما به هر حال تحریف‌کننده‌اند. دوم اینکه سبک‌های دفاعی ناهشیارانه عمل می‌کنند افراد به این سبک‌ها آگاه نیستند و این بدان معناست که آدمیان در سطح هشیار تصویرهای ذهنی غیر واقعی یا تحریف شده‌ای از خود و محیطشان دارند.» (شولتز، ۱۳۸۳: ۶۴). در ادامه برخی از سبک‌های دفاعی مشاهده شده در رفتار

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۵۰

شخصیت‌های رمان کلیدر را تعریف می‌نماییم و برای اختصار به یک یا دو نمونه در هر مورد اکتفا می‌کنیم:

- **واپس‌رانی یا سرکوب:** به بیان فروید، واپس‌رانی حذف غیرارادی چیزی از هشیاری است. واپس‌رانی اساساً انکار وجود چیزی است که برای ما ناراحتی یا درد به همراه دارد» (شولتز، ۱۳۸۳: ۶۴). در واقع واپس‌رانی به معنی جلوگیری از ورود خاطرات، افکار و تجربه‌های ناخوشایند، دردناک و غیراخلاقی به سطح هشیار ذهن است. در این سبک دفاعی خاطراتی که باعث به وجود آمدن اضطراب می‌گردند به ناهشیار ذهن فرستاده می‌شوند.
- **انکار:** «سبک دفاعی انکار پیوندی نزدیک با واپس‌رانی دارد و به معنای نپذیرفتن و انکار وجود تهدید بیرونی یا رویدادی آسیب‌زا است که رخ نموده است.» (همان: ۶۵) برای مثال فردی که دچار بیماری لاعلاجی شده است و فرصت کوتاهی برای زنده ماندن دارد، نزدیک بودن مرگ را انکار می‌نماید.
- **جابجایی:** «اگر آنچه نهاد را ارضا می‌کند در دسترس نباشد امکان دارد فرد آن تکانه را به چیز دیگری جابجا کند که سبک دفاعی جابجایی نامیده می‌شود. مثلاً بزرگسالانی که از مدیران خود متنفرند ولی از ترس تنبیه، می‌ترسند خصومت خود را ابراز کنند و این پرخاشگری را به دیگری مثلاً همسر یا فرزند خود جابجا می‌کنند. (شولتز و شولتز، ۱۳۸۷: ۶۷)
- **دلیل‌تراشی:** «در این سبک، ما دست به تفسیری دوباره از رفتار خود می‌زنیم و بدین ترتیب، موجب می‌شویم که آن رفتار عاقلانه‌تر و پذیرفتنی‌تر جلوه کند. ما اندیشه یا عملی را که برای ما تهدید‌آمیز است، با قانع ساختن خود به اینکه تبیینی عاقلانه برای آن وجود دارد، توجیه می‌کنیم.» (شولتز، ۱۳۸۳: ۶۶). برای مثال شخصی که از کار خود اخراج می‌شود، عدم چابلوسی خود از مدیر را دلیل اخراج می‌داند، ولی در واقع نداشتن مهارت کافی باعث اخراج شدن او شده است.

- **فرافکنی:** در این سبک دفاعی «شخص اندیشه‌ها و افکار غیر قابل پذیرش و یا تمایلات درونی و ناهشیار خویش و همچنین تقصیرها و اشتباهات و کژکاری‌های خود را به دیگری نسبت می‌دهد و یا وسوسه‌ها و هوس‌های نامقبولش را به دیگران منتقل می‌کند و به این وسیله موجبات رضایت خاطر و آرامش خود را فراهم می‌سازد.» (احمدوند، ۱۳۶۸: ۱۴۳).
- **واپس روی (بازگشت):** در این سبک دفاعی «فرد به دوره قبلی زندگی عقب نشینی می‌کند که برای او خوشایندتر بوده است و ناکامی و اضطراب حاضر، دیگر در آن دوران وجود ندارد.» (شولتز، ۱۳۸۳: ۶۶) در واقع شیوه‌های حل مشکلات جای خود را به رویکردی کودکانه خواهد داد. مثلاً دانشجویی که در درس‌های خود دچار مشکل شده و از استادان خود بد رفتاری دیده، تمایل دارد به ساختمان مهدکودک خود برگردد و تحت مراقبت مربی مهربان خود قرار گیرد.
- **فرونشانی:** در این سبک دفاعی، شخص تلاش دارد تا تجربه‌ای تلخ را فراموش کند. مثلاً «بسیاری از افراد در جلسات درمان، وقتی به مرحله تفکرات دردناک یا شرم آور می‌رسند می‌گویند که «دیگر نمی‌خواهند، بیشتر از این صحبت کنند» (بلک من، ۱۳۹۴: ۸۲)
- **چسبندگی:** نزدیک شدن بیش از حد و چسبیدن به افرادی که فرد را طرد می‌کنند به دلایلی مانند «الف. کاهش عاطفه افسرده‌وار ناشی از فقدان آن‌ها؛ ب. کاهش عزت نفس، زمانی که (موضوع‌های همزیستی) در دسترس نباشد؛ ج. کاهش اضطراب ناشی از تکانه‌های خصمانه نسبت به آنان. (همان: ۱۲۸)
- **دروغ‌گویی عمدی:** در این سبک دفاعی افراد به صورت هشیارانه اقدام به دروغ گفتن می‌کنند. مانند دروغ‌هایی که خلافکاران استفاده می‌کنند و یا آن دسته از دروغ‌هایی که در اجتماع توجیه پذیر است.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۵۲

- **بازگشت پرخاشگری به سمت خود:** «کسانی که دست به خودکشی می‌زنند به این دلیل خودشان را دوست ندارند که نسبت به فرد دیگری احساس خشم شدیدی دارند، اما این احساس را درون خودشان حبس می‌کنند». (بلک من، ۱۳۹۴: ۷۰)
- **تیک روان‌زاد:** «بدن شما با پیچش‌ها و لرزش‌های ناگهانی تنش را تخلیه می‌کند و شما از آگاهی نسبت به تعارض عاطفی اجتناب می‌کنید. حمله صرعی کاذب شکل شدید این دفاع را نشان می‌دهد». (همان: ۱۳۷)
- **جبران:** «وسیله‌ای است که روان برای سرپوش گذاردن بر روی نارسائی‌ها و کمبودها، بکار می‌برد و از این راه تا حدودی، تعادلی در وجود فرد، برقرار می‌سازد، تعادلی که پیش از این عمل وجود نداشته و یا بر هم خورده است.» (احمدوند، ۱۳۶۸: ۴۰) تلاشهایی که برای جبران احساس حقارت صورت می‌گیرند می‌توانند دستاوردهای هنری، ورزشی و اجتماعی به بار بیاورند. تاریخ نمونه‌های متعددی از جبران را ثبت کرده است: در دوران باستان، دولتمرد یونانی دموستنس لکنت زبان خود را جبران کرد و خطیب زبردستی شد. تئودور روزولت مریض احوال، بیست و ششمین رئیس جمهور آمریکا در بزرگسالی الگویی برای تناسب اندام شد. آدلر نرمی استخوان، یعنی حقارت عضوی سالهای کودکی خود را در زمینه علمی جبران کرد. (شولتز و شولتز، ۱۳۸۷: ۱۴۶، ۱۳۸۷: ۱۴۱)
- **فلسفه‌بافی یا عقلانی‌سازی:** «فلسفه‌بافی یعنی تلاش برای گسستگی عاطفی از یک موقعیت ناراحت کننده، با رودررویی انتزاعی و فکری با آن. نمونه بارز این سبک در پزشکان دیده می‌شود. چون پزشکان به طور دائم با بیماران و افراد دردمند سروکار دارند، اگر بخواهند کار خود را درست انجام دهند چاره‌ای جز این ندارند که ارتباط عاطفی با آنها نداشته باشند. به طور کلی، سبک فلسفه‌بافی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فرد بخواهد پریشانی خود را از مشاهده یک صحنه ناخوشایند کاهش دهد. (گنجی، ۱۳۸۵: ۱۴۱)

- **منفی‌گرایی:** در این سبک دفاعی «از همکاری کردن با دیگران امتناع می‌کنید، یعنی مانعی در برابر اجبار به نزدیکی با دیگران می‌سازید.» (بلک‌من، ۱۳۹۴: ۷۱) در واقع این سبک دفاعی دید منفی به دیگران را در فرد به وجود می‌آورد.
- **خیال‌بافی:** «برخی افراد، که نمی‌توانند با واقعیت سازگاری مناسب داشته باشند، عنان اختیار را به دست خواب و خیال می‌سپارند. بدین ترتیب که وقتی نیازهای آنها به شیوه مستقیم و به موقع ارضا نمی‌شود، برای حل تنش‌های حاصل از این ناکامیها، به خیال‌بافی روی می‌آورند تا با خلق تصاویر ذهنی، آنها را به طور سمبلیک جبران کنند.» (گنجی، ۱۳۸۵: ۱۳۷)
- **درون‌فکنی:** «یعنی نسبت دادن امور برون ذاتی و خارجی به درون ذات. از این رو درون فکنی را می‌توان مرحله مقدماتی همانندسازی تلقی کرد. زیرا فرد به این وسیله پاره‌ای از جنبه‌های موقعیت‌های مختلف را به درون خود برده و به تملک خود در می‌آورد.» (احمدوند، ۱۳۶۸: ۱۳۴)
- **اجتناب:** «خود را از موقعیت‌هایی دور نگه می‌دارید که به طور نمادین عواطف متعارض در شما ایجاد می‌کند. معمولاً اجتناب، عملیات دفاعی ثانوی پس از دفاع‌هایی نظیر سرکوب، نمادسازی و جابه‌جایی است که معمولاً علامتی نظیر فوبیا یا وسواس را تولید می‌کند» (بلک‌من، ۱۳۹۴: ۱۱۹)
- **واکنش‌سازی:** «یکی دیگر از سبک‌های دفاعی، واکنش‌سازی است که به اسامی دیگری نظیر: وانمود سازی، عکس‌العمل سازی، کمال مطلوب سازی، تشکل واکنش، نیز به کار برده شده است. به کمک این سبک، در فرد خصوصیات خلقی و رفتار خاصی پدید می‌آید که معمولاً نقطه مقابل تمایلات درونی شخص است و به عبارت دیگر، سرکوبی آرزوها و خواست‌های ناپسند و خطرناک و ایجاد هشیارانه آرزوها و خواست‌هایی که کاملاً با آنها مغایرت دارد، و همچنین بیان

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۵۴

- مطلب و ابراز علائقی که با امیال و علائق درونی و ناهشیار فرد، تضاد دارد، به واکنش سازی موسوم است.» (احمدوند، ۱۳۶۸: ۹۰).
- **پرخاشگری خصمانه:** «ناکام ماندن از دست یابی به هدف پرخاشگری خصمانه را به وجود می‌آورد. این خصومت ممکن است سد راه احساسات و افکار ناخوشایند شود.» (بلک من، ۱۳۹۴: ۷۲).
 - **بزرگ‌منشی / همه‌کار توانی:** «بر این باورید که از آن چه دیگران درباره شما فکر می‌کنند ارزشمندترید؛ بنابراین مجبور نیستید با محدودیت‌های ناراحت‌کننده خود مواجه شوید.» (همان: ۱۲۱).
 - **هماندسازی:** «عبارت است از قرار دادن ناخودآگاهانه خود، در قالب خصوصیات فرد دیگر و یا خود را با ویژگی‌های شخص دیگر، یکی احساس کردن. در همانندسازی، شخص، ناهشیار رفتار دیگری را تقلید می‌کند.» (احمدوند، ۱۳۶۸: ۶۹).
 - **کم‌حرفی:** در این سبک دفاعی شخص برای عدم شناسایی خود از گفت و گو با دیگران دوری می‌کند.
 - **باطل‌سازی:** «برای فسخ یا نفی یک فکر یا وسوسه یا عمل ناپسند، طرح ریزی شده است و درست مانند آن است که شخصی لغتی را غلط بنویسد و برای تصحیح آن کاغذ را با مداد پاک کن پاک کند و یا به قول فروید، باطل‌سازی سبکی است که بر اساس آن فرد برای از بین بردن اثر کار خود، به درگیری می‌پردازد. عذرخواهی و پشیمانی و تحمل ناراحتی، همه صورت‌های گونه‌گونی از باطل ساختن و نفی کردن اعمال و افکار ناپسند است.» (احمدوند: ۱۳۶۸: ۱۹۷).
 - **برانگیختن (تحریض):** «طوری با دیگران رفتار می‌کنید که آن‌ها را به نشان دادن واکنش نسبت به خودتان وادار کنید. اگر به شما آسیب برسانند، این شما بودید که

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۵۵

باعث شده‌اید به شما صدمه بزنند؛ بخشی از این امر شاید به این دلیل باشد که تنبیه شدن شما از احساس گناه خواهد کاست.» (بلک‌من، ۱۳۹۴: ۹۲).

- **تهدید دیگران یا قلدری:** «این رفتار اغلب برای کاهش احساس گناه یا اضطراب ناشی از نبود فرد محبوب از شما سر می‌زند.» (همان: ۱۳۶).

- **نمایشی کردن:** در این سبک دفاعی فرد برای کاستن از فشارهای ناشی از دیده نشدن و مورد توجه قرار نگرفتن به رفتار و اعمال هیجانی روی می‌آورد.

- **گوش به زنگی مفرط:** «همیشه حواستان جمع است، حتی وقتی کاملاً غیر ضروری است. این دفاع افراد را از افکار اضطراب‌زای غافلگیرکننده پرخاشگری، تمایلات جنسی یا عواطف دیگران محافظت می‌کند. گوش به زنگ بودن معمولاً ابتدا پس از این که میل کشاننده‌ای فرافکنی شده است، ظاهر می‌شود، امیال جنسی یا پرخاشگرانه شخصی فرد در دیگران دیده می‌شود، سپس این افراد گوش به زنگ می‌شوند تا خودشان را از افکار ممنوعه فرافکنی شده خود مصون بدارند.» (بلک‌من، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

- **رک‌گویی:** «آشکارا آماده جواب‌گویی هستید، اما علاقه و افرتان برای ابراز «حقیقت» شما و دیگران را از «کلیت حقیقت و چیزی جز حقیقت» درباره خصومت پرخاشگرانه شما حفظ می‌کند.» (همان: ۱۴۵).

۳. تحلیل داده‌های پژوهش: نمودهایی از سبک دفاعی در شخصیت‌های

اصلی کلیدر

رمان کلیدر به نسبت حجم، تعداد صفحات کتاب و مدت زمانی که از زندگی ساکنان یک محله را در بر می‌گیرد دارای شخصیت‌های متنوع و پر تعدادی است که نویسنده برای گستردن آن، روش‌های متفاوتی از جمله ذکر درونیات افراد و پرداختن به کنش‌ها و واکنش‌ها را در پیش گرفته که به نسبت حضور و اهمیت افراد و نقش‌های فرعی و اصلی آن‌ها بازی‌های

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۵۶

ذهنی و مکانیزم‌های دفاعی در رفتار و اندیشه آن‌ها نمود پیدا کرده و در بعضی مانند نادعلی به جهت شرایط روحی و روانی وی این موارد بیشتر به چشم می‌خورد. از این رو، در انتخاب شخصیت‌ها میزان حضور و ایفای نقش در رمان و تعداد استفاده از مکانیزم‌ها مورد توجه قرار گرفت که در اینجا به اختصار به یک یا دو نمونه از هر سبک دفاعی در شخصیت اشاره می‌شود.

- گل محمد

گل محمد شخصیت اصلی رمان عظیم و پیچیده کلیدر است با خیره ماندن بر آبتنی دختری در برکه وارد داستان می‌گردد. او دومین فرزند خانواده کلمیشی و شغل اصلیش چوپانی است. پس از مواجه شدن با مشکلات و ناملازمات طبیعت و عدم حمایت از طرف دولت، گروه مسلحی را شکل می‌دهد و به مقابله با حکومت و اربابان می‌پردازد. او که نه مانند یاغیان دیگر حاضر به سازش با حکومت است و نه قصد گریختن دارد، سرانجام در جنگی نابرابر در تنگه گاوطاق کشته می‌شود.

دومین فرزند خانواده با حس رقابت‌جویی، جاه‌طلبی و با حس خوش‌بینی بیشتری به آینده قدم در عرصه تغییر شرایط می‌گذارد و از آن‌جا که خان محمد به عنوان فرزند نخست نتوانسته موفقیت‌هایی در زندگی داشته باشد؛ گل محمد احساس می‌کند می‌تواند در جنبه‌های متعدد زندگی از وی پیش بیفتد، سرمشق باشد و حتی خانواده، فامیل و طایفه را رهبری کند. او موفق می‌شود با راهبری ستار، الگویی برای تغییر شرایط زندگی ناعادلانه‌شان شود.

دلیل تراشی: زمانی که گل محمد، مارال را در حال آبتنی مشاهده می‌کرد و جذبۀ دختر تاب و توان او را از بین برد، با فعال شدن سبک دفاعی دلیل تراشی سعی یورش به دختر و راضی کردن غریزه خود داشت:

«آخر تا کی می‌خواهی بغل زنی بخوابی که در عمر جای عمه تو است؟»

آه ... تکانی بخور ... اول شلیته‌اش را بردار، بعد دهنه اسبش را بکش و پس بندت را بگشای، گرچه ای مرد بند تو هنوز به حرام باز نشده است.» (دولت آبادی، ج ۱: ۴۲)

سر انجام او خود را کنترل کرده و از کنار برکه می‌گریزد. همچنین او که در زمان مناسب امکان گریختن از چنگ نیروهای حکومت و اربابان را داشت با فعال شدن سبک دفاعی، سعی در دلیل تراشی برای نپذیرفتن گریز و کمک مردم می‌کرد:

«مردم. مردم به ما جواب رد دادند. چون ما نه قدرتی را که مردم می‌خواستند به آن تکیه کنند داشتیم، و نه اینکه خودمان می‌دانستیم دست به چه کاری زده‌ایم و چه جور چیزی را داریم برای مردم تدارک می‌بینیم. این آخری‌ها بود که فهمیدم من خود به خود دست به کاری زده‌ام که از چند و چونش و از عاقبتش، و در واقع از مقصدش خبر ندارم. این آخری‌ها بود که فهمیدم وقتی با چیزی می‌جنگی معنایش آن است که آن را نمی‌خواهی، و وقتی چیزی را نخواستی باید بتوانی چیز دیگری را که می‌خواهی جایش بنشانی» (همان، ج ۱۰: ۲۹۷۰)

فرونشانی: زمانی که گل محمد، مارال را در حال آبتنی مشاهده می‌کرد، درون او عرصه وقوع کشمکشی بین حمله و تجاوز کردن به دختر و راضی کردن غریزه و یا سرکوب این حس بود. او با استفاده از سبک دفاعی فرونشانی سعی در سرکوب این حس دارد:

«مرد هم چشمهای سیاه خود فروبست. دیگر توان نگرستن نداشت. رعشه سر تا پایش را گرفته بود و قلبش می‌شورید.» (همان، ج ۱: ۴۰)

در جای دیگر او که سخت شیفته و عاشق مارال شده برای جلوگیری از بر ملا شدن این موضوع با استفاده از سبک دفاعی فرونشانی سعی در پنهان کردن این موضوع از سایرین دارد: «نکوهش و فرمان در کلام گل محمد بود. در چشم‌های مارال نگاه نمی‌کرد. گره از جبین نمی‌خواست بگشاید. دختر را به خود راه نمی‌خواست بدهد. با این همه دل او را نیز نمی‌خواست بشکند. بجایتر می‌دید او را در همان حجاب که تاکنون بوده بود، نگاه دارد. به نزدیک تر نبایدش راه بدهد؛ چون پنبه بود و او آتش. بیم شعله!» (همان، ج ۲: ۴۷۶)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۵۸

دروغ‌گویی عمدی: زمانی که موفق به درمان گوسفندان نشد، برای یافتن راه نجات حیوانات از بزم‌رگی، دست به هر کاری زد؛ به شهر و اداره‌های دولتی رفت تا از آنها واکسن بگیرد که با پاسخی تحقیرآمیز مواجه گردید و سپس نزد باقلی بندار رفت تا خواهش خود را پیش او مطرح نماید و در این ملاقات سبک دفاعی دروغ‌گویی عمدی در او فعال می‌گردد:

«چه می‌توانست و چه می‌بایست بکند؟ روی فرش باقلی بندار بود و دست به سوی او داشت. پس دست پایین باید می‌گرفت، اگر نیازش می‌بود، دروغ باید می‌گفت و حتی خوش‌زبانی می‌کرد.» (همان، ج ۱: ۴۲۷)

جابجایی: با دیدن کشته شدن گوسفندان و عصبانی شدن از موفقیت نشدن در زنده نگه داشتن آن‌ها سبک دفاعی جابجایی در او فعال شده و اقدام به کشتن دیوانه‌وار گوسفندان می‌کند:

«گل محمد، چشمها به خون نشسته، رگهای شقیقه و پیشانی بدر جسته، بیهوده می‌کوشید از پرش لبها، گونه‌ها و پلک‌ها جلوگیری کند. ... «خدا، از آسمان چرا خون نمی‌بارد؟!... حمید، کارد از بیخ پاتاوه بدر کشید، دیگر نگاه در چشم کسان خود نتوانست، نعره برکشید: بکشید. بکشید. کارد! کارد!» (ج ۱: ۴۳۹ و ۴۴۰)

تیک روان‌زاد: سبک دیگری که هنگام مواجهه با ناتوانی خود برای نجات گوسفندان در او مشاهده می‌گردد، سبک دفاعی تیک روان‌زاد است که با فعال شدن این سبک گل محمد اقدام به کشتن دیوانه‌وار گوسفندان می‌کند:

«گل محمد، چشم‌ها به خون نشسته، رگهای شقیقه و پیشانی بدر جسته، بیهوده می‌کوشید از پرش لب‌ها، گونه‌ها و پلک‌ها جلوگیری کند.» (همان).

جبران: در زندان وقتی با بد رفتاری‌های دلاور روبرو شد و حتی زمانی که دلاور قصد کشتن او را داشت، با آگاهی از این که او نامزد دلاور را به عقد خود درآورده سعی در جبران کار خود داشت که یکی از این موارد همراه کردن دلاور با خود برای فرار از زندان بود و دیگری پس از فرار که به او اختیار انتخاب داد تا با آنها همراه گردد یا خیر:

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۵۹

«گل محمد گفت: نمی‌گویم با من رفاقت کن، نه! می‌دانم کینه تو پاک نشده. اما اگر خواستی با من دشمنی کنی، می‌خواهم که از رو به رو بیایی. مردانه!» (همان، ج ۴: ۱۲۶۲ و ۱۲۶۳)

همچنین پس از اینکه علی‌اکبر حاج‌پسند، پسرخاله خود را به جرم لو دادن او به مأمورها می‌کشد، برای جبران، اجازه دست‌درازی به اموال او را نمی‌دهد و به همراه خاله خود به عزاداری برای علی‌اکبر می‌پردازد:

« - از هرکجا که آورده باشد، دیگر این دارایی مال او نیست. مال صغیر است. مال

نوه خاله من است، خدیج. مرد از سفره خود می‌دزدد! (همان، جلد ۴: ۱۲۹۴)

عقلانی‌سازی یا فلسفه‌بافی: قبل از شروع جنگ و به دلیل این‌که شاید از پیش می‌دانست که توان مقابله با نیروهای حکومت و ارباب‌ها را ندارد، با فعال شدن سبک دفاعی عقلانی‌سازی اقدام به دور کردن تفنگچی‌ها از خود می‌کند:

«آن کس که لج کند و بخواهد بماند، خودم می‌رانمش! باید بروید! هریک از شما

خانمانی دارد؛ زن و فرزند دارد؛ مادر و برادر دارد...» (همان، ج ۱۰: ۲۸۶۳)

- مارال

مارال دختر کردی است که پس از زندانی شدن پدر و نامزد و از دست دادن مادر، بر اثر فشارهایی که در میان محله توپکالی‌ها به او وارد می‌شود، تصمیم می‌گیرد پس از سالیان طولانی به نزد محله پدری خود رود. در راه محله می‌شکالی‌ها در برکه‌ای آبتنی می‌کند که در همان‌جا متوجه حضور مردی می‌شود. پس از رسیدن به چادرها مورد بی‌مهری زیور، همسر پسر عمه خود قرار می‌گیرد. با هلاک شدن گوسفندان او نیز به همراه گل‌محمد در طاعنی اقدام به جمع‌آوری چوب برای درست کردن ذغال می‌کند. طی یکی از این روزها رابطه‌ای با گل‌محمد دارد و بعد از آن گل‌محمد او را به عقد خود در می‌آورد. مارال صاحب فرزند پسری از گل‌محمد می‌شود. او در برخی

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۰

نبردها لباس مردانه پوشیده، کودک خود را به پشت آویزان کرده و شوهرش را همراهی می‌کند. در زمان نبرد گل محمد با حکومت در تنگه گاوطاق، هرچه تلاش می‌کند گل محمد به او اجازه حضور نمی‌دهد.

مارال تک فرزند و یگانه دختر از ایل کرد، بدلیل این جایگاه در خانواده از رشد، پختگی و رسش بیشتری برخوردار است و رفتارها و نگرش‌های بزرگسالان را نشان می‌دهد. او مستقل و کارآمد است و جایگاه برتر و قدرت را پیدا کرده است.

انکار: در روزهای اول ورود به محله میشکالی‌ها پس از رویارویی با واکنش‌های زیور که از روی حسادت بود، سبک دفاعی انکار در او فعال می‌شود تا برای حفظ جایگاه جدید و زدودن شک و تردید زیور به او کمک کند:

«من نومزاد دارم . خیلی هم خواهش هستم . هرکس هرچور می خواهد پیش خودش خیال کند. ... هنوز یک شبانه روز بیشتر نیست چشمت به من افتاده ، اما طوری نگاهم می کنی که انگار اسنی ات هستم ها . نکند خیالی داری ؟ اگر این هواها را به سرداری خطا میکنی . من خود نومزادی دارم که یک لایخ مویش را به هزار تا نظیر شوی تو نمی‌دهم !» (همان، ج ۱: ۱۳۷ و ۱۳۸)

فرونشانی: پس از سوار شدن گل محمد بر اسب سرکش مارال، احساس خوب رضایت در او شکل گرفت و قصد نشان دادن عکس‌العمل داشت که با فعال شدن سبک دفاعی فرونشانی و برای جلوگیری از بدگمان شدن زیور و سایرین مانع این رفتار شد:

«زیورپوست مارال، از شادی و غمی غریب سوختن گرفت . دستش را خواست بالا بیاورد و برای گل محمد تکان بدهد ، اما واهمه کرد و کوتاه، زیر زبان حرفی را جوید، سرپایین انداخت و زیور را زیرچشمی نگاه کرد.» (همان، ج ۱: ۱۲۰)

دلیل تراشی: زمانی که مارال قصد نزدیکی به گل محمد را داشت و با سوال کردن گل محمد در رابطه با دلاور مواجه شد، با استفاده از سبک دفاعی دلیل تراشی سعی در اثبات و توجیه منطقی بودن تمام شدن رابطه نامزدی خود با دلاور داشت:

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۱

«دیگر او برای من آن دلاوری که داشتم نبود، من هم برای او آن مارالی که داشت، نبودم. هردومان چیزهای دیگری بودیم، حرفهای من را باور نمی‌کرد می‌دانم. دلم گواه است. امیدش را از من برید، می‌دانم. از خدانگهدارش فهمیدم. وقتی که می‌رفت، سنگ سرد بود ...» (همان، ج ۲: ۴۸۴).

جبران: بعد از حمله کردن زیور به او، سعی در مخفی کردن این موضوع داشت و گویا قصد جبران ورود خود به زندگی زیور و گل محمد را داشت و با فعال شدن سبک دفاعی جبران از بلقیس خواست تا به هیچ وجه ماجرا را برای گل محمد تعریف نکند:

«با گل محمد چیزی نمی‌گویی، ها؟ حرفی که به او نمی‌زنی، عمه جان، ها؟ چیزی مگو، عمه جان. به نام خودش قسمت می‌دهم، به کاکلش قسم ات می‌دهم که از بابت زیور چیزی به او نگویی...» (همان، ج ۳: ص ۸۸۴)

منفی‌گرایی: زمانی که زیور مدگل، پسر مارال را برای شست‌وشو به نزدیک چاه آب برد، سبک دفاعی منفی‌گرایی در مارال فعال شده و شیون کنان به سمت چاه آب می‌دود تا فرزند خود را نجات دهد:

«دیگر مارال چیزی نشنید. نه تاب شنیدنش بود و نه توان ایستادن. دیوانه وار سوی چاه آب دویدن گرفت، بی قید اینکه چنان تاختنش ممکن است به یکباره تمام محله را به سرآسیمگی برآشوبد. چشم در آفتاب پیچیده در غبار صبح که منظر چاه را گنگ می‌نمود، می‌دوید. دیوانه وار و بی‌امان، با اندرونی پراکنده و بیم‌گرفته، پیش می‌دوید تا بتواند فرزند را از گمان تب‌آلوده اش به دستهای یقین، بازپس بستاند...» (ج ۷: ۲۲۵۳). غافل از آنکه زیور چون مادری مهربان در حال رسیدگی به فرزند مارال بود: «... بعد که رسیدم به لب چاه دیدم که دست و روی پسرکم را شسته و با بال چارقش خشکش کرده، از گریه اش وا انداخته و حالا دارد با بچه ام خوش طبعی می‌کند تا او را بخنداند.» (همان، ج ۸: ۲۲۵۸)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۲

زیور همسر گل محمد کلمیشی است. او پس از کشته شدن همسر اولش، علی هراتی در جنگ، با گل محمد هم‌رمز همسرش ازدواج نمود. او پس از ازدواج مجدد گل محمد دوران سختی را گذراند و در پایان در تنگه گاوپاق به همراه گل محمد و هم‌رزمانش کشته شد. زیور در موقعیت تعارض بین عشق و پرخاشگری قرار گرفته است. عشق به گل محمد و پرخاشگری به دو رقیب، نخست بلقیس مادر گل محمد که از ابتدا را تحقیر می‌کند و دوم مارال که موضوع عشق او را ربوده است. وی برای حل این تعارض و کاهش اضطراب فزاینده ناشی از مادر شدن مارال ناهشیارانه از سبک‌های دفاعی استفاده می‌کند تا احساس اضطراب ناشی از جایگاه متزلزل خود در خانواده و حس کهنتری خود را کاهش دهد. ناخشنودی، نفرت و حسادت در رفتار و گفتار زیور موج می‌زند. وی قادر به حل تعارض نیست و این تعارض به ناکامی‌های شدید منجر می‌شود و در نهایت در حالت فعل‌پذیری و انفعال کشته می‌شود.

جابجایی: زیور در برخورد و پاسخ به رفتارها و گفتار بلقیس از سبک دفاعی جابجایی استفاده می‌کند؛ برای مثال حرام کردن خمیر برای پختن نان:

«چنین بر می‌آمد که ورود مارال لنگشی در پختن نان بار آورده و آن دیگری که می‌بایست به جای بلقیس تنور را گرم نگاه دارد و آن را بی‌هیمة نگذارد، خمیر را ناشیانه به تنور چسبانده که نانها، نیم پخت و اگر دیده، در آتش افتاده و کلوج شده اند» (همان، ج ۱: ۵۶).

«خوب است که هم عمر من هستی! برو یاد بگیر، این دختر جای بچه تو حساب می‌شود! زن خوب است کمی جوهر داشته باشد. یک دم غافل شدم، یک من خمیرم را حرام کردی!» (همان: ۵۷).

منفی‌گرایی: او در زمان مواجه شدن با ورود مارال و از آنجا که به چشم رقیب به او نگاه می‌کرد، اجازه همکاری و کمک کردن برای انجام کارهای خانه را نیز به مارال نمی‌داد که این مورد فعال شدن سبک دفاعی منفی‌گرایی در اوست:

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۳

«چشم‌های درشت و قاق کشیده‌اش را - راویان نفرتی کبره بسته در روح - به مارال تاباند و گفت: این خانه آن قدرها کار ندارد که سه چهار تا که ونیکلفت بخواهد» (همان، ج ۱: ۵۷ و ۵۸).

تهدید دیگران یا قلدری: حسادت زیور به مارال تا جایی پیش می‌رود که زیور جرأت تهدید کردن مارال را نیز پیدا می‌کند و همچنین کینه و نفرتی عمیق نسبت به او در دل دارد:

«نمی‌دانم. این چیزها را نمی‌دانم. اما اگر برایم یقین شود که چشم به شویم داری، قسم به همین نماز شام چشم‌هایت را از کاسه برمی‌کنم. گفته باشم!» (همان: ۱۳۸).

درون فکنی، سرکوبگری و اجتناب: پس از مواجه شدن با خیانت همسرش و رابطه او با مارال و در پی آن ازدواج آن‌ها، سبک‌های درون فکنی، سرکوبگری و اجتناب در زیور فعال می‌شود:

«همچنان در کنج چادر بلقیس، چون بزغاله ای بیمار، چمبرک زده و سر بر خاک گذاشته بود؛ خاک بر سر. خواب؟! نه. بگو خرمی سوزن در چشمها. وهم و کابوس. آشفتگی و آشوب. روح خوار شده. سیاه دل و دل سیاه. ...» (همان، ج ۲: ۴۹۱).

«از هرچه بیمناک بود. از سایه خویش هم. از این رو شاید که خود تاراج شده می‌دید. به یغما رفته.» (همان: ۴۹۲).

دلیل تراشی: یکی دیگر از سبک‌های دفاعی که زیور از آن استفاده می‌کند، سبک دلیل تراشی است. برای مثال زمانی که از دست تجاوز کردن مأمور حکومت فرار می‌کند، به همسرش پناه می‌برد و با واکنش گل محمد برای کشتن مأمورهای حکومت مواجه می‌شود، برای رهایی از عذاب وجدان برانگیختن گل محمد برای کشتن مأمورها از سبک دفاعی دلیل تراشی استفاده می‌کند:

«- به اسم خدا قسم، قصد من این نبود که گل محمد را بشورانم. آخر من چه کاری می‌توانستم بکنم؟ شاید هم مردکه قصدی نداشت، اما من هول ورم داشت. ترسیدم! یعنی باید همانجور، سر جایم می‌ماندم؟ می‌ماندم تا بیاید... آن وقت شوی من سرم

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۴

را نمی‌برید؟ بار رسوایی را کجا می‌برد آن وقت؟ شما، خود شماها چی؟ با این ننگ چه می‌کردید؟ گناه من چی بوده که به زیر بال شوی خودم دویده‌ام؟ باید رو به کی می‌رفتم من؟» (همان، ج ۲: ۷۲۲).

جبران: بر اثر عذاب وجدان رفتارهای گذشته خود با مارال، با استفاده از سبک جبران سعی در کمک به مارال دارد:

«غمش را مخور! تا گل محمد برگردد، من و ماهک دست یکی می‌کنیم و چادر تان را می‌بافیم. خدا بخواد، بچه زیر چادر نو به دنیا می‌آید. خودم کنارت هستم. کنارت می‌مانم. همه کارهایت را خودم می‌کنم. ناف بچه را خودم می‌برم. آش برایت درست می‌کنم. تر و خشکت می‌کنم. مثل خواهرم از تو مراقبت می‌کنم...» (همان، ج ۳: ۸۹۳)

واکنش‌سازی: با فعال شدن سبک دفاعی واکنش‌سازی سعی در جبران رفتار زشت خود با مارال در زمان بارداری می‌کند و در ادامه فرزند مارال را همچون فرزند نداشته خویش دوست می‌دارد:

«سنگ! باید سنگی بردارم، بالای سرم بگیرم و به چادر بروم و بی آنکه یک دم بمانم، چشم‌هایم را ببندم و سنگ را با همه قوتم روی شکم بالا آمده او بکوبم. به ضرب سنگ، کره‌اش را می‌اندازم و خودش را هم علیل می‌کنم.» (همان، ج ۳: ۸۷۱)

«دیگر از امروز هم نمی‌دهم بچه‌ای را همراه ببرید! روده پیچ می‌شود. بره گکم روی گرده اسب! کی گفته که دسته گلم را بیابان تا بیابان روی اسب هلاکش کنید؟!» (همان، ج ۷: ۲۲۵۲).

- خان‌عمو

خان‌عمو برادر کوچکتر کلمیشی و عموی گل محمد است. در زندگی از مال دنیا چیز زیادی به جز چند گوسفند ندارد. اگر در تنگنا قرار بگیرد بر خلاف گل محمد دست به مال دیگران دراز می‌کند و به هر طریقی شده روزی خود را به دست می‌آورد. خان‌عمو از ابتدا با گل محمد همراه شد و سرانجام نیز در تنگه گاوطاق کشته شد.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۵

دلیل تراشی: خان‌عمو پس از مواجه شدن با هلاکت گوسفندان در بزم‌رگی، اقدام به سرقت گوسفند از ثروتمندان می‌کند و زمانی که با اعتراض گل محمد مواجه می‌شود، این‌گونه پاسخ می‌دهد:

«مرض گوسفندهای ما را خورد، ما هم گوسفندهای اربابی را می‌خوریم» (همان، ج ۲: ۴۷۱)

جابجایی: یکی دیگر از سبک‌های دفاعی پرکاربرد در شخصیت خان‌عمو، سبک دفاعی جابجایی است. او به جای روبرو شدن منطقی با مشکلات، از هر راهی برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کند؛ زمانی که کلمیثی برادر خود را به صبوری و مواجهه معقول با مشکل بزم‌رگی دعوت می‌کند، سبک جابجایی در خان‌عمو فعال شده و به دفاع از رفتارهای خود می‌پردازد:

«چه دیده‌ای برادر؟ خودش را نشانم نمی‌دهد، وگرنه...! حالا هم از ناچاری تفنگم را رو به آن بنده‌هایم می‌گیرم که بیش از شکمشان دارند. بیش از شکمشان، برادر! غم ظالم را مخور. مخور! از کجا آورده‌اند آن‌ها؟ از کجا آمده‌اند آن‌ها؟ نکند که آن‌ها مأمورهای خدا، روی زمین باشند؟! هه!» (همان، ج ۴: ۱۰۶۶).

فرافکنی: بعد از تجاوز به بیوه زن سرمزاری و هنگام گفتگو با گل محمد با فعال شدن سبک دفاعی فرافکنی سعی در توجیه رفتار خود دارد:

«دیوانگی بود که کردم، اما... حقیقتش را بخواهی، از همه این قیدها که بگذریم، پشیمان نیستم. پشیمان از این کار... حالی‌ات هست که چه می‌گویم؟ همچو زنی را حیف بود که تشنه بگذارم، می‌دانی...» (همان، ج ۷: ۲۰۳۱).

بازگشت: بعد از تجاوز به بیوه زن سرمزاری و هنگام مواجه شدن با خشم گل محمد با فعال شدن سبک دفاعی بازگشت همچون کودکی گوش به حرفهای گل محمد می‌داد:

«گل محمد گام پیش نهاده، دست برده و تفنگ را از دستهای عمویش برگرفته بود: «رخت هایت را بپوش!» خان‌عمو چون کودکی مطیع سر برگردانیده و رفته بود، رخت پوشیده و

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۶

بیرون آمده بود و مقابل گل محمد ایستاده بود، گوش به فرمانی دیگر؛ ساکت و بی صدا». (ج ۷: ۱۹۸۸).

- خان محمد

خان محمد بزرگترین فرزند کلمیشی و برادر گل محمد است. یکی از بارزترین ویژگی‌های این شخصیت تندخویی اوست. او در زندگی رابطه عاطفی خوبی با دیگران ندارد و کینه نیز جزئی از ویژگی‌های این شخصیت است. او از ابتدا با گل محمد همراه بود و با وجود اینکه برادر بزرگتر بود ولی از گل محمد حرف‌شنوی داشت. در تنگه گاوپاق نیز به همراه گل محمدها نبرد کرد و به خواست آنها از تنگه گریخت و زنده ماند. گویا گل محمدها به این نتیجه رسیدند که تنها کینه جویی او می‌تواند انتقامشان را بگیرد.

خان محمد به عنوان فرزند نخست نگرشی خودکامه، محافظه‌کار دارد و نسبت به آینده بدبین است، نسبت به دیگران احساس ناامنی و خصومت دارد. بیشتر به گذشته گرایش دارد و حسرت گذشته را می‌خورد. وی در انتظار یا به فکر برتری و قدرت بیشتر و بیشتر است که نمود آن به صورت کلامی (رک گویی و تهدید) و غیرکلامی (خصومت و پرخاشگری) است.

تهدید دیگران: پس از آن‌که خان محمد با همراهی علی اکبر حاج پسند، پسرخاله خود اقدام به دزدی گله کرده و آن را تحویل بابقلی بندار دادند، مأمورین متوجه شده و خان محمد و علی اکبر را دستگیر نمودند. البته علی اکبر با ترفندهایی از چپس گریخت و دزدی به گردن خان محمد افتاد. شرکای دزدی نیز به او خیانت کرده و گوسفندان را میان خود تقسیم نموده و سهمی به او ندادند. خان محمد به همین دلیل کینه عمیقی از آنها گرفت و گاهی با فعال شدن سبک دفاعی تهدید دیگران به این موضوع واکنش نشان می‌داد:

«بگو دعا کن بیرون نیایم وگرنه عروسی دخترت را به عزامی گردانم! بگو کینه‌ای که از شما دو نفر به دل دارم، با آب همه رودخانه‌ها هم شسته نمی‌شود. ای قرمساق‌ها! من را به محبس انداختید و...» (همان، ج ۳: ۰۳۰ و ۰۳۱).

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۷

رک‌گویی: در زمان گفت و گو با موسی این سبک مشاهده می‌شود:

«- به قد و پاچه‌ات نمی‌آید که این قدر تیز و هوشیار باشی! گرچه، شما شهری‌ها به موش‌ها می‌مانید. کارها را زیر زیرکی تمام می‌کنید. بیخ ریسمان را می‌جوید...» (همان، ج ۴: ۱۲۴۸).

با توجه به حجم رمان و حضور شخصیت‌ها، خان محمد در داستان نقشی جانبی دارد و نویسنده چندان به پرورش ویژگی‌های شخصیتی او نمی‌پردازد و بر این اساس می‌بینیم که او هم کمترین کاربرد مکانیزم‌ها را در رمان دارد و به نسبت جاذبه‌های شخصیتی، خواننده چندان درگیر او نمی‌شود.

- بیگ محمد

بیگ محمد کوچکترین برادر گل محمد است. شغل اصلی او قبل از قیام گل محمد، چوپانی بود و یکی از علاقه‌های او نواختن چگور. بیگ محمد مورد علاقه تمامی مردان محله و سرکرده نگهبانان و تفنگچی‌های گل محمد بود. هر جا گل محمد بود، بیگ محمد بر بالای بام آن مکان در حال دیدبانی است. او در پایان نیز به همراه گل محمد در تنگه گاوطاق کشته شد. او به عنوان فرزند آخر عزیز دردانه خانواده است و همچنان وابستگی خود (همچون کودکی اش) بویژه به برادر بزرگ خود گل محمد را حفظ کرده و تابع برادر است. شخصیت مستقلی ندارد و عادت کرده از وی مراقبت شود. با ایفای نقش‌های بزرگسالانه مشکل دارد و کودکانه رفتار می‌کند.

هماندسازی: سبک دفاعی همانندسازی با برادرش گل محمد مدام در او فعال می‌شد، یکی از این موارد در هنگام کشتن علی اکبر حاج پسند بود که تنها دلیل بیگ محمد همراه شدن و یکی شدن با گل محمد بود:

«پس او برای چه آهنگ کشتن پسرخاله را کرده بود؟ کینه عمیقی به پسر حاج پسند نداشت. اما عشق بزرگی به برادرهای خود داشت. و بین برادرها، عشقی بزرگتر به گل محمد. توان گفت که او، شیدای برادر خود بود. به اشاره

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۸

گل محمد آماده بود که با سر به چاه برود. نه به چاه، که به اشاره برادر سینه به شمشیر می داد. پس چگونه همپای او به قتلگاه نرود؟» (همان، ج ۴: ۱۲۸۵).

پرخاشگری خصمانه و تهدید دیگران (قلدری): زمانی که از فرار تنها خواهر خود و ازدواج او با ماه درویش مطلع گردید با فعال شدن سبک‌های دفاعی پرخاشگری خصمانه و تهدید کردن (قلدری) به سمت قلعه چمن روانه شد و با پیدا کردن شیرو او را تنبیه کرده و گیسویش را برید:

«کارد بر دست راست، بیگ محمد پنجه چپ پیش برد و گیلۀ گیسوان خواهر به چنگ آورد، آن را به دوردست پیچاند و تیزی کارد برگلولی خواهر گذاشت و از او خواست که همچنان لال بماند. پس به تندی آذرخش، در یک پلک برهم زدن، گیلۀ چپ گیسو را برید» (همان، ج ۱: ۲۵۹).

فرافکنی و پرخاشگری خصمانه: سپس او به دنبال ماه درویش رفت و او را نیز در مقابل چشمان اهالی قلعه چمن بی آبرو کرد که در این حادثه سبک‌های دفاعی فرافکنی و پرخاشگری خصمانه در او فعال می‌شود:

«چشم‌های پسر کلمیشی از خاک و خشم سرخ شده بود. به مردمی که حال رسیده بودند چشم گرداند و بر گردۀ ماه درویش نشست و کاردش را به سوی جمعیت گرفت. زبانه کارد به این و آن می‌گفت که پیش نیاید. پس بیگ محمد چنگ انداخت، خشتک تنبان سید را گرفت و تیزی لبۀ کارد را به آن نزدیک کرد» (همان، ج ۱: ۲۶۳).

گوش به زنگی مفراط: او که دیده بان و سرکرده تفنگچی‌های گل محمد است، در سخت‌ترین زمان‌ها و با وجود خستگی مفراط هم سعی در انجام مسئولیت با بهترین کیفیت دارد:

«بیگ محمد چگور به دست پیش برادر آمد و به گوش او گفت: - قراول‌ها خسته‌اند؛ نگرانم که خوابشان ببرد!

گل محمد به خنده در روی برادر گفت: - آنکه خسته نیست، کیست؟ نشانم بده!... تو؟!»

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۶۹

بیگ محمد نگاه بگردانید و گفت: - پس اول سرکشی کنم و برگردم! - خود دانی!..... بتاز!»
(همان، ج ۷: ۲۲۰۰).

گل محمد نیز به این وظیفه شناسی او اشاره می‌کند:

«می‌دانم که به شنیدن صدای ساز بی‌تاب می‌شود. اما این را هم یقین دارم که صد سال اگر روی بام فراول باشد، نه لب باز میکند و نه از جایش جنب می‌خورد.» (همان، ج ۹: ۲۴۲۸)

جابه جایی: زمانی که با شهر خالی از سکنه خرسف مواجه شد و از آن جا که دسترسی به حاجی سلطانخرد خرسفی نداشت، با فعال شدن سبک دفاعی جابه جایی خشم خود را با تحقیر داماد سلطانخرد جا به جا نمود:

«در پشت پاهای اسب بیگ محمد، داماد خرسفی در هر گام سکندری می‌رفت و باز کشانیده می‌شد. داماد خرسفی به ریسمانی پیچیده شده و سر ریسمان به پسین زین اسب بیگ محمد بسته شده بود.» (همان، ج ۱۰: ۲۷۴۴)

- نادعلی

نادعلی، پسر حاج حسین چارگوشلی به تازگی از خدمت سربازی بازگشته و به فکر ازدواج با دختر عمه خود، صوقی است، اما صوقی دل در گروی مدیار دارد و به ازدواج با نادعلی رضایت نمی‌دهد. یکی از رویدادهای مهم در طول داستان برای نادعلی هجوم آوردن مدیار و همراهانش برای ربودن صوقی است که در این بین حاج حسین مورد اصابت گلوله تفنگ گل محمد قرار می‌گیرد و مدیار نیز توسط نادعلی جوان کشته می‌شود. نادعلی با احساس توهین و تحقیر از سوی دختر عمه و در پی شکست عشقی، برای دفاع از حرمت خود با خشونت در حد قتل به این احساس بی‌حرمتی پاسخ می‌دهد. پاسخ خشونت‌آمیز وی (قتل مدیار و کتک زدن صوقی) عقلانی و محاسبه‌ای نبوده بلکه از نوع هیجانی و عاطفی است، نوعی فریفتگی ناخودآگاه و فشار و اجبار در پس انگیزه قتل وجود دارد. در پی این قتل شخصیت وی آنچنان به آشفتگی می‌گراید که به مرز جنون می‌رسد.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۰

پرخاشگری خصمانه و جابجایی: نادعلی که در یافتن قاتل پدر خود موفق نشده، اقدام به سؤال کردن از صوقی می‌کند تا شاید او نشانی از قاتل دهد، ولی با استقامت صوقی مواجه می‌شود که در این زمان از سبک دفاعی پرخاشگری خصمانه استفاده کرده و صوقی را به سخت‌ترین شکل شکنجه می‌کند در عین حال سبک جابجایی نیز در او فعال شده و خشم خود را بر صوقی منتقل می‌کند:

«... در او خشم بود. پس به ناگاه یا از روی پرّه چرخ چاه برداشت و جوال را آرام و بیمناک به گلوی چاه فرو داد. باردیگر پا برداشت و یک پله. باز پا برداشت و دختر بیشتر در چاه فرو رفت. نادعلی، هر پا که از پرّه چرخ برمی داشت جرأت و دلهره، آمیخته به هم، بیش از پیش در قلبش زبانه می کشید. سرانجام چیزی مانده به ته چاه، ریسمان را به پایه چرخ پیچاند، گره زد و صوقی در میانه راه آونگ ماند. دور آخر ریسمان اگر از چرخ واگردانده می شد، جوال به ته چاه می نشست، و نادعلی چنین نمی خواست. او می خواست که دختر آونگ بماند.» (همان، ج ۱: ۳۱۷ و ۳۱۸)

باطل سازی و جبران: در طول داستان نادعلی به دلیل اشتباهات گذشته خود به طور ناهشیار از سبک‌های دفاعی جبران و باطل سازی استفاده می‌کند. یکی از این موارد رساندن آرد به خانه گورکنی است که خود را در کشته شدن او مقصر می داند و با فعال شدن این سبک‌های دفاعی سعی در کم کردن عذاب وجدان خود دارد:

«پس، کیسه آرد را بر دوش گرفت و در پناه دیوار براه افتاد. دزدانه پا به حیاط خانه گذاشت، آرام و سبک تا پشت در رفت، کیسه از دوش پایین گرفت، بیخ دیوار خانه گورکن گذاشت و از راه آمده، بازگشت.» (همان، ج ۳: ۷۵۳)

و یا اینکه با فعال شدن این سبک‌ها روی به عبادت آورد تا از بار گناهان خود بکاهد. از دیگر مواردی که نادعلی از این سبک‌های دفاعی استفاده کرده هنگام درخواست کدخدای چارگوشلی برای تعمیر حمام روستا است:

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۱

«من... به روضه که نمی‌توانم بیایم. چون به راهم. از بابت خرابی حمام هم بگو که زیاد غمش نباشد این غریبه. هرچه توانستید از مردم جمع کنید، بکنید؛ باقی اش را من گردن می‌گیرم...» (همان، ج ۳: ۷۶۸).

بزرگ منشی و همانندسازی: نادعلی برای کمک کردن به ماه درویش، همسر شیرو برایشان چارپایی می‌خرد و با هزینه خود او را برای درمان به شهر می‌فرستد، در این رویداد با توجه به اینکه روزی از وضعیت مالی مناسبی برخوردار و بزرگزاده بوده، سبک‌های دفاعی بزرگ منشی و همانند سازی با پدرش در او فعال می‌شود:

«- برو قدیر! برو به ماه درویش بگو دست و پایش را جمع کند می‌رویم به شهر، می‌برم و می‌خوابانمش در مریضخانه! می‌برمش، می‌برمش و مداواش می‌کنم. من هنوز پسر حاج حسین چارگوشلی هستم!» (همان، ج ۵: ۱۴۰۷).

فرافکنی و دلیل تراشی: نادعلی زمانی که مال و دارایی خود را در معامله با باقلی بندار و آلاجاقی از دست داد، با استفاده ناهشیارانه از سبک دفاعی فرافکنی اشتباه خود را بر گردن دیگران می‌اندازد و همچنین سبک دلیل تراشی نیز در او فعال می‌شود:

«چقدر دادند و چی دادند! گیج و منگ شدم... هنوز هم گیجم. سرم...! اصلاً حالی ام نبود پای چه ورقه‌ای را خط خطی کردم؟! انگشت هم زدم. نزدم؟! زدم! چرا، انگشت زدم به گمانم. نمی‌دانم! به نظرم انگشت هم زدم... انگشتم را گرفته بود و اینجا و آنجا پای ورقه‌ها می‌گذاشت پای ورقه و فشار می‌داد!» (همان، ج ۵: ۱۳۸۸ و ۱۳۸۷).

کم حرفی و اجتناب: پس از کشته شدن پدر، مرگ گورکن و گم شدن صوقی، با فعال شدن سبک‌های دفاعی کم حرفی و اجتناب سعی در کمتر دیده شدن بین مردم را داشت و درگیر کشاکش درونی خود بود:

«در این مدت کم، نادعلی بدل به انسانی سر بسته شده بود. انسانی گرفتار در خود. کمتر با این و آن دمخور می‌شد، و از میان قلعه چارگوشلی گذری اگر می‌کرد، جز با سلامی کوتاه، پیوندی با دیگران برقرار نمی‌کرد. سر در گریبان و خاموش و کم سخن...» (همان، ج ۳: ۷۵۵ و ۷۵۶).

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در
شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی)

۱۷۳



دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۳

- بابقلی بندار

بابقلی بندار کدخدای روستای قلعه چمن برای رسیدن به برتری و جایگاه بالاتر، از هیچ عمل زشت و ناروایی در حق دیگران دریغ نمی‌کند؛ از همکاری نزدیک با دزدان تا خرید و فروش تریاک. او تمام لحظات زندگی خود را در مسیر رسیدن به اهداف و برتری جویی دیوانه وار خود می‌گذراند؛ از انتخاب همسر برای فرزند تا همکاری با حاکمان فاسد شهرها. در روزهای آغازین قیام گل محمد- با توجه به نیاز به گل محمد برای پنهان کردن شیدا، پسرش از خطر جهان‌خان- به او کمک می‌کرد و گله‌ها و اموال سرقتی در انبار او پنهان می‌شدند که البته از این کار سود خوبی نیز نصیب او می‌شد. بابقلی بندار که روزی خود واسطه فروختن فشنگ به گل محمدها بود، زمانی که حکومت و ارباب‌ها تصمیم به کشتن او گرفتند به سرعت تغییر رفتار داد و در صف مقابل گل محمدها قرار گرفت و در روز نبرد تنگه گاو طاق از هیچ شرارتی دریغ نکرد.

پرخاشگری خصمانه و برانگیختن: زمانی که مردم، افغانی اسیر شده را به او تحویل ندادند و در مقابل چشمان آن‌ها افغان‌ها شیدا فرزند بابقلی بندار را ربودند با فعال شدن سبک‌های دفاعی پرخاشگری خصمانه و برانگیختن با آن‌ها سخن می‌گوید:

«در میدانک در حمام، کنار دیوار قلعه کهنه، شیون بر پا بود. جمعیت، زن و مرد، میدانک را پر کرده بود. بابقلی بندار یقه درانده و روی به ناخن خراشیده بود...» (همان، ج ۴: ۱۱۷۲)

«بابقلی بندار، ناگهان چون مجنونی، چشم بر مردم درانید و گفت:

-پسرم را، شیدایم را بردند! جوانم را به اسیری بردند، مردم! افغان‌ها، پیش چشمهای شما جوانم را دزدیدند و با خود بردند!» (همان، ج ۴: ۱۱۷۲ و

(۱۱۷۳)

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۴

چسبندگی: زمانی که جان شیدا، فرزند خود را در خطر می‌بیند تنها راه نجات را فرستادن او نزد گل محمد می‌داند و هنگامی که با مخالفت گل محمد ها روبه رو می‌شود با استفاده از سبک دفاعی چسبندگی سعی در راضی کردن آنها دارد:

«قوم من، برادر من، سردار من، دستم به دامن تو. شیدا غلام توست، برادر کوچک توست، بیگ محمد تو. از یاد نمی برم این بزرگواری تو را، این جوانمردی تو را. اسم تو، حالا پشت مردترین مردها را می‌لرزاند. تو پهلوانی. من پناه به تو آورده‌ام.» (همان، ج ۵، ص ۱۴۲۰).

- بنده‌ام... بنده‌ام، خودم و خانواده‌ام. خودم غلامم. خودم و خانواده‌ام را به شما می‌سپارم. شیدا را به شما، به تو می‌سپارم گل محمد! «همان، ج ۵: ۱۴۲۵».

دروغ‌گویی عمدی: باقلی بندار وقتی با کلام قدیر مبنی بر آشنایی و رابطه داشتن با گل محمدها روبه رو می‌شود با فعال شدن سبک دفاعی دروغ‌گویی عمدی این موضوع را کتمان می‌کند:

«من را چکار با گل محمد، عموجان؛ من را چکار با گل محمد؟ چرا حرف را سبک سنگین نمی‌کنی و می‌زنی؟ آن مردکه ای که سر راه می‌گیرد، چه دخلی به کار و زندگانی من در اینجا دارد؟ یک روزگاری من با آنها معامله و داد و ستد داشته‌ام؛ خداهش بیامرزد آن روزگار را» (همان، ج ۶: ۱۶۳۳).

شخصیت باقلی بندار نماینده یک فرصت طلب منفی تمام عیار است که برای دستیابی به منافع شخصی و سودجویی بیشتر در هر شرایطی به سرقت، تقلب، دورویی، گمراه کردن، خیانت، دروغ‌گویی، ریاکاری، پنهان‌کاری، تحریف واقعیت و ایجاد ابهام در شرایط دست می‌زند. منش بازاری و نیز شخصیت فرصت طلب وی به ویژه در شرایط آنومی و از هم پاشیدگی‌های معیارهای حاکم بر روابط و تعاملات اجتماعی همه دست به دست هم داده تا او به اهداف نامشروع خود برسد، با این وجود اگر مکانیزم‌های دفاعی نوعی تلاش ذهن‌ربای

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۵

تحریف واقعیت و دفاع از شخصیت باشد، او به نسبت حضورش در داستان از زیور، قدیر و بیگ محمد از مکانیزم‌های کمتری استفاده می‌کند و این می‌تواند نشان از آگاه بودن او از منفعت‌طلبی و رفتار غیر انسانی وی در شرایط مختلف باشد همچنین تجربه و اعتماد به نفس و استحکام شخصیت او در خود خواهی و خود پسندی اش از عوامل دیگر این مسأله است.

- عباسجان

عباسجان پسر بزرگ کربلایی خداداد است. او که در جوانی شاهد وضعیت مالی خوب و کسب و کار پر رونق پدر بوده، پس از برشکسته شدن کربلایی خداداد برای حفظ موقعیت خود، به غارت سایر اموال پدر و هزینه کردن آن در راستای ارضای نیازهای جسمی خود اقدام می‌کند.

چسبندگی: استفاده از سبک دفاعی چسبندگی در عباسجان به طور بارزی به چشم می‌خورد:

« عباسجان، مثل سگی خانگی دورو بر نادعلی می‌پلکید و موس موس می‌کرد. حرف‌های شیدا و نادعلی کنده‌پاره بود. عباسجان هم به همین گونه. اما عباسجان بیش از یک عبارت بر زبان نداشت:

— من هم آبرودار بوده ام ارباب جان . مثل شماها ! ... محتاجم . محتاج شده ام . به کسی مثل خودتان کمک کنید! » (همان، ج ۲: ۶۸۱)

فرافکنی: عباسجان در ادامه گفتگو با قدیر، برادر خود به دلیل فعال شدن مکانسیم دفاعی فرافکنی او را تحقیر می‌کند:

« تو هم به جای این‌که در همچه سن و سالی سوارکار و زندگانی ات باشی، شاش پاک‌کن این پیرمرد شده‌ای » (همان، ج ۵: ۱۸۹۷)

خیال‌بافی: عباسجان با توجه به وضعیت مالی خوب پدرش در گذشته هنوز خیال می‌کند که کربلایی خداداد پول و اموالی دارد که در جایی دور از دسترس آن‌ها پنهان کرده و به همین دلیل سعی در کشتن پدر دارد تا به توهم خود برسد:

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۶

«گویی که پیرمرد را مرده می‌پنداشت و اگر هنوز زنده بود، بس برای آن بود که جای سکه‌ها و اسکناس‌ها را به عباسجان نشان بدهد: "آخر که با خودش به گور نمی‌خواهد برد!"» (همان، ج ۹: ۲۴۴۹).

دروغ‌گویی عمدی: او برای رسیدن به اهداف خود مدام در حال دروغ گفتن است و به این موضوع در گفتگو با موسی - زمانی که در حالت طبیعی نیست - اشاره می‌کند: «کسی چه می‌داند؛ کسی چه می‌داند که چه چیزهایی در کله من می‌چرخند؟! دروغ... دروغ... دروغ! دروغ پناهگاه من است؛ دروغ پناهگاه همه است» (همان، ج ۹: ۲۵۷۰).

- قدیر

قدیر فرزند کوچک کربلایی خداداد است. او هم مانند برادر خود از نداری پدر و وضعیت مالی ضعیف زجر می‌کشد. قدیر سعی در انجام دادن کاری مفید دارد که با نداشتن پشتکار و مهارت کافی در انجام آن ناموفق است و پس از آن اقدام به انجام کارهای پست می‌کند. **جابجایی:** از آن‌جا که ماه درویش، پادوی باقلی بندار واسطه معامله شترهای پدر قدیر بوده و قدیر قدرت رویارویی با خریدار اصلی، باقلی بندار را ندارد، وی با آزار دادن ماه درویش سعی در آرام کردن خود دارد:

«جای خواهرم باشد، شیرو. حرف او را می‌خواهم بزنم. خوشنامی ندارد که زن تو، شب توی خانه بندار بخوابد! آن هم وقتی که خانه بندار این جور خلوت است. باز اگر شیدا در خانه نبود، چیزی. اما... من او را می‌شناسم که چه جور جانوریست!» (همان، ج ۴: ۱۱۳۸).

سبک دفاعی برانگیختن: در ماجرای درگیری ماه درویش با شیدا قدیر با روش‌های مختلف و به وسیله فعال شدن سبک دفاعی برانگیختن، سعی در عصبانی کردن شیدا داشت تا ماه درویش را تنبیه کند:

«قدیر، که نرم به شانه شیدا خزیده بود، بیخ گوش او گفت:

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۷

— اگر بن‌دار بود، سید صد سال هم همچو جراتی نداشت که این جور رسوایی بار بیاورد! جرات داشت؟» (همان، ج: ۴: ۱۱۵۰)

فرو نشانی: قدیر پس از نزدیکی با زن دایی خود با استفاده از سبک دفاعی فرونشانی سعی در عدم مواجهه با دایی خود داشت:

«ماه درویش و قدیر پیش آمدند و قدم در آستانه در اتاق گذاشتند. ماه درویش سلام گفت و قدیر یک لحظه مردد ماند و پس زد» (همان، ج: ۱: ۳۷۶)

تهدید دیگران (قلدری): قدیر که سعی داشت خود را به نادعلی نزدیک کند و به عنوان پیشکار او خدمت کند، عباسجان و حرف هایش را مخمل رسیدن به هدف خود می دانست، در این زمان با فعال شدن سبک دفاعی تهدید دیگران تلاش می کرد تا او را از نادعلی دور کند:

«شب را می بینی؟! خنجر از هوا می بارد! گرگ در همچین هوایی یخ می زند. بفهم چی دارم می گویم! اگر باز هم بخواهی پيله کنی و خودت را به ارباب من بچسبانی، از قهوه خانه بیرون می اندازم و می گذارم میان بیابان یخ بزنی! گوشه‌هایت می شنوند؟» (همان، ج: ۳: ۸۴۰)

نمایشی گری: زمانی که مورد توجه اعضای حزب توده در قلعه چمن قرار نمی گیرد با فعال شدن سبک دفاعی نمایشی گری سعی در جلب توجه آن‌ها دارد:

«اما شما که می بینید، شما که می بینید من دشمن خونی باقلی بن‌دار هستم. نمی بینید؟ خودتان که شاهد کار من و بن‌دار بودید؟ کور بودید که ببینید باقلی بن‌دار چه جوری شترهای من را از دستم بدر کرد؟ ها؟ کور بودید که ببینید چه جوری شاه‌رگ شترم را برید؟ ندیدید که من از غصه پیر شدم؟ ندیدید؟!...» (همان، ج: ۵: ۱۳۵۷)

فرافکنی: قدیر پس از ناتوانی در کار درو و اخراج شدنش با فعال شدن سبک دفاعی فرافکنی وبه اشتباه کسانی چون پهلوان بلخی را مقصراخراج شدنش از کار درو می دانست:

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۸

«- هنوز هم دلم می‌خواهد می‌توانستم به این قدیر بفهمانم که از ما به دل نداشته باشد؛ می‌توانستم به‌اش بفهمانم که دستهای دیگری او را از درو واگر دانیدند. خودش هم این را می‌داند. اما آدم کج خیالی ست. تا بد باشد، فکر خوب را به کله‌اش راه نمی‌دهد. برویم!» (همان، ج ۶: ۱۸۶۰ و ۱۸۶۱).

- ستار

ستار از اعضای حزب توده و فعال در روستاهای شهر نیشابور است. او که زمانی در آذربایجان شکست تلخ حزب را تجربه کرده اکنون در شمایل پینه دوزی دوره گرد اقدام به انجام وظایف تشکیلاتی خود می‌کند. اصلی‌ترین محرک گل محمد برای قیام علیه ارباب‌ها و حکومت، ستار است. اوست که در تنگناها به کمک گل محمد آمده و به او مشورت می‌دهد. او که دوست ندارد مانند ماجرای آذربایجان مجدد تسلیم شده و آن فجایع به وقوع پیوندد برخلاف خواسته تشکیلات به همراهی با گل محمد ادامه داده و سرانجام نیز در تنگه گاوپاق همچون برادری در کنار گل محمدها کشته می‌شود ولی از نظر خلقی احساس برتری جویی مانع از آن می‌شود که با همه مردم دمخور باشد و اگر کسی با ویژگی‌های گل محمد را نمی‌یافت چه بسا ماموریتش به انجام نمی‌رسید. وی خواسته و وظایف تشکیلاتی را به خواسته های خود ارجح دانسته و عمر و زندگیش را صرف آن می‌کند، پای روی امیال و غرایزش گذاشته و کارش را ضروری‌تر از زندگی شخصی دانسته است. در این شخصیت این سبک دفاعی به شکلی فراگیر به صورت سبک زندگی او درآمده و راه را بر همه تجربه‌های عاطفی وی بسته است.

دروغ‌گویی عمدی: در مواجهه با سوال گل محمد درمورد علت کمک کردن به او، با فعال شدن سبک دروغ‌گویی عمدی سعی در پاسخ دادن به او دارد:

«- من چه خدمتی به تو کرده‌ام، چه کار خیری در حق تو کرده‌ام که هر جا دستت می‌رسد، به من کمک می‌کنی؟!»

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۷۹

- هنوز که نتوانسته‌ام به تو کمکی کنم! ستار، می‌رفت که به جواب درماند؛
اما چیزی - هرچند نه چندان قانع‌کننده - به خاطرش رسید. پس، گفت: -
من نان و نمک شما را خورده‌ام. مادر تو، نان سفره‌اش را به من داده.» (همان،
ج ۴: ۱۲۱۴)

عقلانی‌سازی یا فلسفه‌بافی: پس از مواجه شدن با احساس رضایت با فعال شدن سبک دفاعی عقلانی‌سازی به سرعت سعی در مهار حس رضایتمندی خود دارد:

«لبخندی آمیخته به شرم، چهره ستار را روشن کرد و تند از در بیرون رفت. بیش از این نمی‌خواست حالت خوشایندی را که به او دست داده بود، در خود نگاه دارد. بیش از این نمی‌خواست به خود مهلت رضایت از خویش، بدهد. این را آموخته بود که از خود رضایی، گاهی گام‌ها را سست و چشم‌ها را کم بین می‌کند. این را می‌دانست که میدان به چنین میلی دادن، چاهی است پیش پا که دمام عمق بیشتری می‌یابد؛ چاه رضایت از خویش! در هر قدمت دهان می‌گشاید و تو سرانجام از او کم می‌آوری.» (همان، ج ۴: ۱۲۲۷)

۴. نتیجه‌گیری

تأثیر شگرف مکتب روان‌تحلیل‌گری بر هنر و ادبیات از برجسته‌ترین دستاوردهای فکری و آرای فروید محسوب می‌شود. بررسی شخصیت‌ها و رویدادهای رمان کلیدر بیانگر استفاده از طیفی متنوع و متعدد از سبک‌های دفاعی از نظر نوع و شدت در رفتارهای هر یک از شخصیت‌ها است. از آنجا که استفاده فراوان و مکرر از سبک‌های دفاعی سبب دوری و جدایی از واقعیات می‌گردد و به ویژه در ناهنجاریهای روانی به شدت دیده می‌شوند، لذا در افرادی مانند نادعلی که به مرز جنون رسیده بود استفاده مکرر از سبک‌های دفاعی با شدت بیشتر دیده می‌شود. هر یک از شخصیت‌ها بنا به میزان رشدیافتگی پایگاه روان‌شناختی "من"، میزان واقع‌نگری و نیز بنا به اقتضای شرایط سخت و استرس‌زا دامنه‌ای از سبک‌های دفاعی

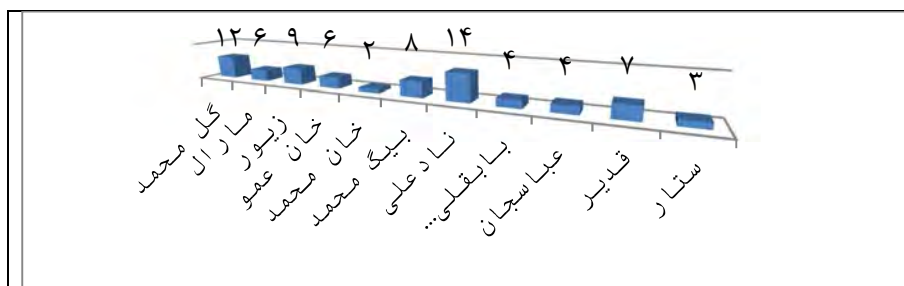
دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۸۰

را استفاده می‌کردند. همچنین به کار بردن دقایق و ظرایف علم روان‌شناسی در شکل‌گیری و خلق شخصیت‌های داستان محسوس است، البته این موضوع از جانب نویسنده رمان می‌تواند عامدانه و یا ناهشیار صورت گرفته باشد.

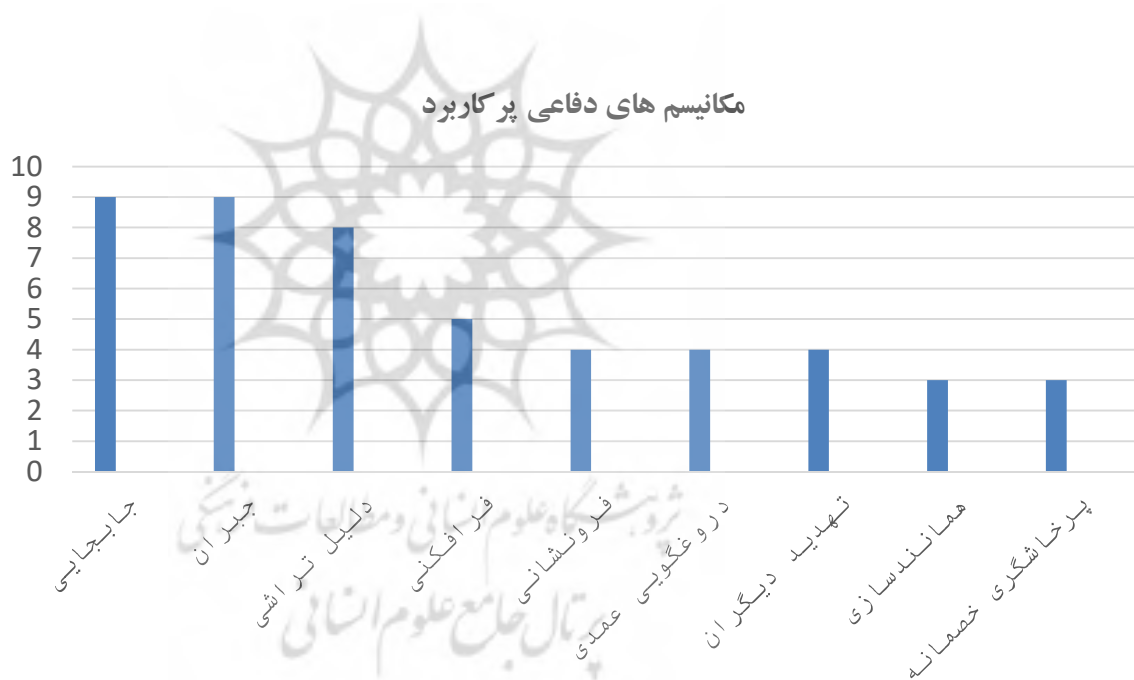
همچنین بررسی این رمان نشان می‌دهد که رویدادها و ویژگی‌های شخصیت‌ها متأثر از یکدیگر هستند ولی رفتار شخصیت‌ها و ویژگی‌های بارز آن‌ها در سیر داستان و با توجه به رویدادها متفاوت است، برای مثال گل محمد پس از مواجهه با رویدادهای متفاوت دچار تغییر رفتار اساسی شده و اقدام به تشکیل گروه مسلحانه می‌کند، ولی عباسجان در تمامی رمان تنها به فکر اهداف پست و کوچک خود است و تغییر رفتار تأثیرگذاری در این شخصیت مشاهده نمی‌شود. جداول و نمودارهای زیر گویای دستاوردهای این پژوهش هستند. در مجموع بررسی‌های این پژوهش پیرامون رویدادها و شخصیت‌ها نشان می‌دهد که ۲۸ سبک دفاعی متنوع برای ۷۵ مرتبه در این ۱۱ شخصیت تکرار شده است.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی)

۱۸۱



تعداد مکانیسم‌های دفاعی به کار برده شده توسط شخصیت‌ها



دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی)

۱۸۲

سبک‌های دفاعی پر کاربرد توسط شخصیت‌های رمان کلیدر

پر خاشنگری	همانند سازی	تهدید دیگران	دروغ‌گویی عمدی	فرونشانی	فرافکنی	دلیل تراشی	جبران	جابجایی	
			+	+		++	++	+	گل محمد
				+		+	+		مارال
		+	+			+	+	+	زیور
					+	+		+	خان عمو
		++							خان محمد
++	+	++						+	بیگ محمد
+	+				+	+	+	+	نادعلی
+			++						بابقلی بندار
					+				عباسجان
		+		+	+			+	قدیر
			+						ستار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی)

۱۸۳

کتاب‌نامه

- احمدوند، محمدعلی (۱۳۶۸). **سبک‌های دفاعی روانی**. تهران: آشنا.
- اسحاقیان، جواد (۱۳۸۳). **کلیدر، رمان حماسه و عشق**. تهران: گل آذین.
- بلک من، جی اس. (۱۳۹۴) ۱۰۱ **سبک دفاعی**. ترجمه: زینب فرزاد فرد و محمود دژکام. تهران: رشد.
- پروین، لارنس ای. (۱۳۷۴) **روان‌شناسی شخصیت**. ترجمه: محمد جعفر جعفری و پروین کدیور. تهران: آرمان.
- چهل تن، امیر حسن و فریاد، فریدون (۱۳۸۰). **ما نیز مردمی هستیم (گفتگو با محمود دولت آبادی)**. چاپ سوم. تهران: نشر چشمه و فرهنگ معاصر.
- حسن لی، کاووس و مجرد، ساناز (۱۳۸۸). **بررسی محورهای اصلی و شیوه گسترش روایت در کلیدر**. بوستان ادب دانشگاه شیراز، دوره ۱، شماره ۱، ص ۹۱-۱۰۶.
- دولت آبادی، محمود (۱۳۸۷). **کلیدر**. تهران: فرهنگ معاصر.
- ژف، مه رو (۱۳۸۶). **تحلیل هشت داستان کوتاه معاصر فارسی با رویکرد روان کاوانه**. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیدان، مریم. (۱۳۸۶). **نقدی روانشناختی بر شازده احتجاب گلشیری**. **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم** / سال اول، شماره سوم.
- شایگان فر، حمیدرضا (۱۳۷۶). **معرفی مکاتب مهم نقد ادبی و تحلیل و نقد متونی از ادب فارسی**. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۸). **نقد ادبی**. تهران: میترا.
- شولتز، دوان. (۱۳۸۳). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه: یوسف کریمی و دیگران تهران: ارسباران.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی ال. (۱۳۸۷). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه: یحیی سید محمدی‌تهران. نشر ویرایش.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۵). **روان‌شناسی عمومی**. تهران: ساوالان.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، سبک‌های دفاعی در شخصیت‌های رمان کلیدر (نویسنده اول: مریم زمانی) ۱۸۴

- یوسف قنبری، فرزانه و حسینی پناه، فرحناز (۱۳۹۱). **مارال کلیدر و کهن الگوی زن ایرانی**. اندیشه‌های ادبی، سال ۴، شماره ۱۱، ص ۶۳-۸۸.

References

- Ahmadvand, Mohammad Ali (1989). **Psychological defensive mechanism**. Tehran: Ashna. [In Persian]
- Blackman, JS. (2015). **101 defensive mechanism**. Translation: Zeinab Farzad Fard and Mahmoud Dejkam. Tehran: Roshd. [In Persian]
- Cheheltan, Amir Hassan and Faryad, Fereydun (2001). **We are also people (interview with Mahmoud Dowlatabadi)**. Third edition. Tehran: Publication of Fountain and Contemporary Culture. [In Persian]
- Dowlatabadi, Mahmud (2008). **Kelidar, what are you talking about?** Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]
- Eshaqian, Javad (2004). **Kelidar, epic novel and love**. Tehran: Inflorescin. [In Persian]
- Ganji, Hamza (2006). **General Psychology**. Tehran: Savalan. [In Persian]
- Hassan Li, Kavous and Mojarrad, Sanaz (2009). **A study of the main themes and the way the narrative spreads in Kelidar**. [In Persian] Shiraz University Courtesy Park, Volume 1, No. 1, pp. 91-106. [In Persian]
- Jaff, Mahruo (2007). **Analysis of eight contemporary Persian short stories with psychoanalytic approach**. Tehran: Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Parvin, Lawrence E. (1995) **Personality Psychology**. Translation: Mohammad Jafar Jafari, and Parvin Kadivar. Tehran: Arman. [In Persian]
- Schultz, Doan(2004). **Personality theories**. Translation: Yousef Karimi and others. Tehran: Arasbaran. [In Persian]
- Schultz, Dewan; Schultz, Sidney Allen(2008). **Personality theories**. Translation: Yahya Seyed Mohammadi. Tehran. Edit Publishing. [In Persian]

- Seyedan, Maryam. (2007). *Psychological critique on Shazdeh Ehtejab Golshiri*. **Journal of The School of Literature and Humanities**, Qom University/ First Year, Issue 3. [In Persian]
- Shamisa, Cyrus (2009). **Literary criticism**. Tehran: Mitra. [In Persian]
- Shayeganfar, Hamidreza (1997). **Introducing important schools of literary criticism, analysis and criticism of texts from tarasi literature**. Tehran: Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Yousef Ghanbari, Farzaneh, and HosseiniPanah, Farahnaz (2012). *Maral Kelidar and the Iranian female archaeus*. **Literary Thoughts**, Year 4, No. 11, p. 63-88. [In Persian]

